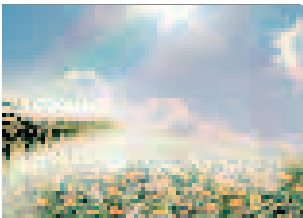




با حضور مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ رئیس انجمن عکاسان هرمزگان معرفی شد

آیین معارفه رئیس انجمن عکاسان هرمزگان با حضور مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسوولان در محل فرهنگسرای طوبی برگزار شد.مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان در این آیین برحذف نگاه های منفی از حوزه فرهنگ و تبدیل آن به نگاه های عمومی تاکید کرد. همایون امیرزاده ضمن تاکید عملکرد مناسب انجمن های مختلف در حوزه فرهنگ گفت: طی ریزیانی های صورت گرفته با پیشگوساتان و فعالان حوزه عکاسی استان و با توجه به افزایش استقبال عمومی مردم از هنر عکاسی این نتیجه حاصل گردید که تشکلی به عنوان انجمن عکاسان هرمزگان تاسیس و راه اندازی شود. وی ضمن گرامیداشت یاد و خاطره هنرمند فقید ، مرحوم کورش گرمساری خاطر نشان ساخت: در تدوین اساسنامه انجمن عکاسان هرمزگان تاکید بر رعایت و تحقق دیدگاه این هنرمند شاخص و پیشکسوت هنر عکاسی استان شده است و همگان می دانیم که زحمات کورش گرمساری و نگاه متعالی وی به هنر عکاسی باعث شد شاهد زمینه سازی های مناسبی در این حوزه باشیم. مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل انجمن عکاسان هرمزگان را حاصل چندین سال دغدغه دلسوختگان به هنر عکاسی استان دانست و تصریح کرد: موفقیت های بسیار زیادی طی چند سال اخیر در همه حوزه های فرهنگ و هنر و بالخص عکاسی در استان صورت گرفته است از جمله تبدیل هفته عکس هرمزگان به جشنواره ملی فیلم و عکس و کسب رتبه نمونه کشوری در تمام حوزه های فرهنگ و هنر که حاصل تلاش همه خانواده فرهنگ بوده است اما برخی از افراد که گرایش منفی دارند نمی خواهند به این موفقیت ها پر داخته شود و اگر نگاه های منفی بر حوزه فرهنگ و هنر غالب شود بدون شک همگان از آن زیان خواهند دید. امیرزاده خطاب به عکاسان گفت: هر کدام از ما نسبت به جامعه و مردم وظایف و تعهداتی داریم و هنر عکاسی در مقایسه با سایر رشته های هنری نگاه فراملی و توسعه یافته تری به جامعه دارد و به همین سبب با برنامه ریزی مناسب باید بتواند پاسخ مناسبی به این توقعات بدهد. در خاتمه پس از سخنرانی استاد علی رضایی از پیشگوساتان فرهنگی استان، حکم ریاست انجمن عکاسان هرمزگان به «سمام الدین انصاریان» ابلاغ گردید.

مسافران بهشتی



نام: سیروس

نام خانوادگی: پدراالدینی احمدی

نام پدر: محمد

نوع حادثه: حوادث مربوط به جنگ

تحملی

شرح حادثه: حوادث ناشی از درگیری

مستقیم با دشمن – توسط دشمن در جبهه

وصیت نامه:

وصیت نامه شهید “سیروس پدراالدینی” و اعتمصو بحبل الله جمیعا و لا تفرقو . با سلام و درود خدمت امام و امت قهرمان پرور ایران امیدوارم که همیشه کشورهای اسلامی در تحت توجهات حضرت بقیه الله قرار بگیریم . اینجانب “سیروس پدراالدینی” عضو جهاد سازندگی کمیته کشاورزی مشغول خدمت بودم.

الان که در اینجا نشسته و دارم این وصیتنامه را پر میکنم بچه هایی را می بینم که با خلوص نیت و با ایمانی راسخ و قوی آماده هر نوع فداکاری

می باشند تا هر چه سریعتر به جبهه های جنگ بروند و از نزدیک با این کفر به ستیز بپردازند، من اشک شوق در چشمانم جمع شده که این برادرانمان چه شوقی و چه اشتیاقی دارند و همچنین خودم که امیدوارم بتوانم با دست پر بازگردیم و در مورد شهادت امیدوارم که نصیب من هم گردد. اصلا ترس و اهامه ای ندارم و امیدوارم که برادرم بتواند بعد از من راه امام را پیش گیرد.

(با پیروزی اسلام برکفر و همچنین برای ملت قهرمان پرور ایران که راه امام را پیش گیرند و راه پیامبران و امامان را طی کنند.

همچنین نابودی منافقین را .این بازی خورده های آمریکائی از خدا می خواهم.

امداد غیبی

بیش از یک سال بود که عراق بخشی از جنوب کشور را اشغال کرده بود. این وضع چون خاری بر دل ما می خلید و همه آنهایی که دلشان برای ایران و اسلام می سوخت از این موضوع زچرمی خاشخ و پیشکسوت هنر عکاسی استان شده است و همگان می دانیم که زحمات کورش گرمساری و نگاه متعالی وی به هنر عکاسی باعث شد شاهد زمینه سازی های مناسبی در این حوزه باشیم. مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل انجمن عکاسان هرمزگان را حاصل چندین سال دغدغه دلسوختگان به هنر عکاسی استان دانست و تصریح کرد: موفقیت های بسیار زیادی طی چند سال اخیر در همه حوزه های فرهنگ و هنر و بالخص عکاسی در استان صورت گرفته است از جمله تبدیل هفته عکس هرمزگان به جشنواره ملی فیلم و عکس و کسب رتبه نمونه کشوری در تمام حوزه های فرهنگ و هنر که حاصل تلاش همه خانواده فرهنگ بوده است اما برخی از افراد که گرایش منفی دارند نمی خواهند به این موفقیت ها پر داخته شود و اگر نگاه های منفی بر حوزه فرهنگ و هنر غالب شود بدون شک همگان از آن زیان خواهند دید. امیرزاده خطاب به عکاسان گفت: هر کدام از ما نسبت به جامعه و مردم وظایف و تعهداتی داریم و هنر عکاسی در مقایسه با سایر رشته های هنری نگاه فراملی و توسعه یافته تری به جامعه دارد و به همین سبب با برنامه ریزی مناسب باید بتواند پاسخ مناسبی به این توقعات بدهد. در خاتمه پس از سخنرانی استاد علی رضایی از پیشگوساتان فرهنگی استان، حکم ریاست انجمن عکاسان هرمزگان به «سمام الدین انصاریان» ابلاغ گردید.



نیروهای در حال حرکت از خودروها پیاده شده و در شیار گوهها پناه گرفتند. من برای آنکه یکان را شناسایی کنم بیشتر دقت کردم و متوجه شدم که یک دستگاه “کاتیوشا” در کنار مهمات مناسب است. از آنجا که می دانستم عراق در آن منطقه – در آن مقطع زمانی – کاتیوشا ندارد .، دستور توقف تیراندازی دادم و پس از آنکه یقین حاصل کردم که آنها نیروهای عراقی نیستند با هماهنگی با سایر هلیکوپترها در کنار آنها نشستیم و از هلیکوپتر پیاده شدیم.

یکی از افراد آنها از شیار بیرون آمده و به طرف من دوید. با عصیانیت به او گفتم: “مگر نمی دانید اینجا منطقه ممنوعه است. چرا آمدید؟! آن شخص که دستمالی را هم به سرش بسته بود با عصیانیت داد زد: “ شما چرا نیروهای خودی را می زنید؟! در حالی که با برداشتن چند گام تا حدودی به هم نزدیکتر شده بودیم، دستمال سرش را باز کرد و من با کمال تعجب دیدم که مهندس موسوی استاندار گیلان است. او زخم سرش را نشان داد و گفت: “ شما مرا مجروح کردید! ! در حالی که خنده ام گرفته بود به او سلام کردم. مهندس هم مرا شناخت و با چهره ای گرفته جواب سلام را داد . به او گفتم: – مهندس امروز معجزه شد! ! –

چطور مگه؟ – خودم را با ما یار بود که اسلحه ام گیر کرد و گرته قبل از آنکه شما را بشناسیم همه را تار و مار کرده بودیم. – پس این دستمزد منه که گفتم یک ماهه را از ارتفاعات جنوب استان به عین خوش جاده می کشم. – دستمزد شما که پیش خداست، ما از وجود شما در منطقه بی اطلاع بودیم. – حالا که به لطف خدا توانستیم سلاح ها را از این جاده عبور دهیم، پس دیگه منتظر چه هستیم؟ خندیدم و گفتم: منتظر فرمان حمله هستیم که نیروهای عراقی را تار و مار کنیم. در تلافی یک نگاه بار دیگر با هم پیمان همکاری و همیاری بستیم.

◀ **سر تیپ ۲ خلبان سید محمود آذین**

گمنامان گمناتر شده اند

علی زارعی

سأهاست درب خانه شان را نمی کوبند ؛ حتی به اشتباه



فرهنگ شده به نسل جوان امروزی نهضتی عظیم برای شناساندن شهدا به جوانانمان صورت بگیرد . رهبر معظم انقلاب بسیار

نمی توانیم وارد شویم و

با آنها به گفتگو بنشینیم

و بایستی از فاصله دور با

آنها گپ و گفت کنیم. شهدا

در شهرمان غریب هستند

تاکید کرده اند که برای مقابله با تهاجم فرهنگی، مسئولان بایستی اقدام کنند. در هرمزگان که هم مرز با کشورهای حوزه خلیج فارس است و ماهواره و شبکه های مختلف جوانان ایرانی را نشانه گرفته اند ، آیا نباید

است این مجروح به اهواز تخلیه شود پس معطل چی هستید؟ – دکتر که گویی از صحبت هایم احساس آرامش کرده بود ، گفت: – این سرباز باید هر چه زودتر به اهواز برسد، شما تا چند دقیقه می توانید به اهواز برسید؟ – معمولاً پرواز ما از اینجا تا اهواز ۱۸ تا ۲۰ دقیقه طول می کشد. – آیا ارزش این ریسک را دارد؟ – شما همه تجهیزات تخلیه خون و کیسه های خون را به هلیکوپتر منتقل کنید بقیه اش از من. لحظاتی بعد صدای غرش هلیکوپتر سکوت منطقه رقابیه را در هم شکست و ما با سرعت تمام به طرف اهواز به پرواز در آمدم.

هنوز ۸ دقیقه نگذشته بود که در مقابل بیمارستان (هتل استوریا) فرود آمدم و تیم های کمکی که از قبل آماده شده بودند به کمک این سرباز رعنا و بلند قامت اسلام آمده و او را به داخل بردند. برای لحظاتی از داخل هلیکوپتر پایین آمده و به سراغ دکتر همراه رفتم. او در حالی که اشک شوق در چشمانش موج میزد جلو آمد و مرا در آغوش گرفت و گفت: از بابت همه چیز متشکرم.

◀ **سرهنگ خلبان رضا پیران نژاد**

و اظهار داشتند آنجا بیمارستان است. با عجله وارد ساختمان شده و با دیدن اولین پرسنل سفید پوش بهداری به شوخی گفتم: – نکند خودمان باید بیاییم و مجروحین را داخل هلیکوپتر ببریم؟ – نه مجروح زیاد نیست. باید منتظر بشویم تا تعداد مجروحین زیاد بشود که ارزش پرواز با هلیکوپتر به این بزرگی را داشته باشد.

نگاهی به پوتین و شلوار نظامی او که از زیر لباس سفید بهداری بیرون زده بود انداختم و داخل اتاقی که از آن صدای گفت و گو می آمد شدم. قبل از همه جوان رعنا و بلند قدی که روی برا نکارد دراز کشیده بود توجهم را جلب کرد. گردن او خون آلود بود و در همان نگاه اول مشخص بود که او از ناحیه گلو تیر خورده است. چند تن از پزشکان جوان هم دور او را گرفته بودن و گویا با دستگاهی خون را از داخل ریه او خارج می کردند. – خود را به یکی از پزشکان معرفی کردم و اظهار داشتم اگر کمکی لازم است انجام بدهم. دکتر نگاهی به من کرد و پرسید: – شما به خاطر یک مجروح به اهواز می پرید؟! – دکتر! جان یک مجروح و صد مجروح ندارم، اگر نیاز

به خاطر یک مجروح

عملیات فتح المبین از جمله عملیاتیهای بود که همه حرکتها برای خدا بود. تمام ابزارهایی که به کار می رفت در راه خدا بود. در آن عملیات به نظر من تمام ملت ایران حضور و نقش فعال داشتند و در نهایت خیلی از آنان که آماده عروج بودند در همین عملیات به خدا رسیدند. از افتخارات ما دراین عملیات این بود که تجهیزات و ادوات پروازی ما در اختیار کلیه رزمندگان بود. در آن ایام ما در اهواز مستقر و سراپا منتظر بودیم که هر مأموریتی را انجام بدهیم.

سرانجام دفتر عملیات مستقر در فرودگاه ما را احضار و دستور داد به منطقه رقابیه اعزام و تعدادی از مجروحین را در اهواز تخلیه نماییم. با توجه به آمادگی قبلی، لحظاتی بعد هلیکوپتر شنوک آسمان اهواز را شکافت و پس از عبور از هفت تپه وارد منطقه رقابیه شد.

وقتی از هلیکوپتر پیاده شدیم ساختمان متروکه ای را به ما نشان دادند



روابط عمومی

اداره کل شیلات

هرمزگان

روح و فکر سالم در بدن سالم است ، بدن سالم وابسته به غذای

سالم است ، غذای سالم همان غذای آبریزان است